



تأثیر جنگ چهل ساله در افغانستان بر روی کودکان افغان

فاطمه مهرابی^۱

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر جنگ چهل ساله در افغانستان بر روی کودکان افغان بود. جنگ در افغانستان یکی از چالش‌های بزرگ در برابر زندگی افشار آسیب‌پذیر از جمله زنان و به خصوص کودکان افغان است. سال‌هاست که طرفین درگیر جنگ در افغانستان با بی‌توجهی به زندگی کودکان جنایات وحشتناکی علیه کودکان افغان مرتکب می‌شوند و این روند بدون این که عاملین آن مورد پیگرد قانونی قرار گیرند، ادامه دارد. حضور کودکان در صفوف طرفین درگیر جنگ در افغانستان، استفاده آنان برای اهداف جنگی و حتی استفاده جنسی از کودکان یکی از نگرانی‌های دیگر در برابر زندگی کودکان افغان است. با آنکه در این رابطه سازمان‌های حقوق بشری بارها ابراز نگرانی کرده‌اند و در گزارش‌های خود گفته‌اند که جوانان کم سن در افغانستان در صفوف جنگ، هم در صفوف مخالفین مسلح دولت و هم در پلیس محلی استخدام می‌شوند؛ اما تاکنون هم در برخی مناطق این کشور همچنان از کودکان افغان برای حملات انتحاری، جاسازی مین‌ها و خطوط مقدم جنگ بکار گرفته می‌شوند. بر اساس گزارش ارائه شده در میان کودکانی که نیازمند کمک‌های فوری‌اند، بیشترین آنان را آوارگان و بی‌خانمانان تشکیل می‌دهند که به دلیل ادامه جنگ، ناامنی، حوادث طبیعی و فقر از مناطق خویش آواره و بی‌جا شده‌اند.

کلمات کلیدی: جنگ، افغانستان، جنگ چهل ساله، کودکان افغان، آوارگان، بی‌خانمان.

^۱ کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی گرایش برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مخاصمات مسلحانه مدرن و امروزی آثار وحشتناک آن بر مردم عادی از جمله کودکان است که به عنوان بخشی از جمعیت غیرنظامی، قربانی نسل کشی و کشتار جمعی می‌گردند. علیرغم اشاره صریح کنوانسیون حقوق کودک به لزوم برخورداری کودکان از حمایت‌های بشردوستانه در جنگ‌ها، امروز در جهان شاهد آن هستیم که بسیاری از کودکان در جنگ‌ها جان خود را از دست می‌دهند و یا در شرایط بسیار دشوار در اردوگاه‌ها و مناطق جنگ زده زندگی می‌کنند و در بسیاری موارد حتی مورد سوء استفاده و خرید و فروش قرار می‌گیرند و حتی به عنوان "کودک سرباز" در جنگ‌ها و منازعات مسلحانه به کار گرفته می‌شوند (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۵۶).

افغانستان هم به عنوان کشوری درگیر جنگ در طول چهار دهه اخیر دور از این مخاصمات جنایات جنگی نبوده است. طالبان و سایر گروه‌های نظامی، از سال ۲۰۰۱ میلادی نفوذ خود را در افغانستان بازسازی کردند. دستکم از سال ۲۰۰۵ میلادی، مخاصمه مسلحانه در استان‌های جنوبی و شرقی افغانستان بین گروه‌های سازمان یافته مسلح، به طور خاص طالبان، و نیروهای نظامی افغانستان و نیروهای بین‌المللی شدت گرفت. غیر نظامیان از جمله کودکان بیشترین رنج و آلام را از این مخاصمات دریافت نموده‌اند و درگیر این جنگ‌ها شده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۶۵).



۱-نگاهی کوتاه به جنگ‌های افغانستان

سرزمینی که امروز افغانستان نامیده می‌شود، کانون دولتی بود که در سال ۱۷۴۷ میلادی تأسیس شد؛ اما افغانستان در مرزهای کنونی‌اش در پایان قرن نوزده میلادی پایه گذاری شد. تفاهم دو امپراتوری وقت یعنی روس و انگلیس به امیر عبدالرحمن این امکان را داد تا حکومت مرکزی مقتدری را بنیان گذاری کند. (طنین، ۱۳۸۴: ۱۹).

افغان‌ها در طول تاریخ برای آزادی کشورشان در برابر انگلیس، روسیه و امریکا به جنگ و مبارزه پرداخته‌اند. جنگ اول افغان-انگلیس در سالهای ۱۸۲۰-۱۸۲۴ میلادی و جنگ دوم در سال ۱۸۷۸ میلادی و جنگ سوم در سال ۱۹۱۹ میلادی بوده است. افغان‌ها بعد از جنگ سوم افغان-انگلیس، استقلال خود را دوباره به دست آوردند. با آنکه این کشور بعد از پس گرفتن استقلال خود تا سقوط رژیم محمد داوود که در سال ۱۹۷۸ از طریق احزاب طرفدار شوروی (خلق و پرچم) صورت پذیرفت، شاهد بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌ها بود، اما نسبتاً آرام و در حال پیشرفت قرار داشت. پس از آن زمانی که مردم افغانستان در مقابل احزاب یاد شده اقدام به جهاد کردند بار دیگر جنگ و ناامنی‌ها در این کشور آغاز شد. نیروهای مجهز با وسایل پیشرفته اتحاد شوروی وقت در تاریخ ۲۷ دسامبر سال ۱۹۷۹ میلادی به افغانستان حمله کردند و با مقاومت مردم افغانستان مواجه شدند؛ تا زمانی که گورباچف در هشتم فوریه ۱۹۸۸ اعلام کرد که نیروهای شوروی از پانزدهم می عقب نشینی خود را از افغانستان آغاز خواهند کرد (اکسا، ۱۳۹۵: ۵).

این عقب نشینی تا پانزدهم می ۱۹۸۹ به طول انجامید. گفته می‌شود که بیش از یک میلیون افغان در نتیجه این تجاوز جان باختند، میلیون‌ها نفر نیز دست به مهاجرت زدند، زیر بناها در این کشور از بین رفت و ۱۵۰۰۰ سرباز شوروی نیز کشته شدند. بعد از عقب نشینی شوروی افغانستان درگیر جنگ داخلی شد و مجاهدین افغان به رژیم نجیب الله که به حمایت شوروی تشکیل شده بود، پایان دادند و صبغت الله مجددی در تاریخ بیست و هشت آوریل ۱۹۹۲ میلادی به قدرت رسید اما دیری نپایید که بر سر به دست آوردن قدرت میان احزاب مختلف مجاهدین جنگهای داخلی با شدت بیشتری آغاز گردید. طالبان در سال ۱۹۹۴ میلادی با تعهد از بین بردن بی نظمی‌ها و حفظ ارزشهای اسلامی در قندهار فعالیت خود را آغاز نمود و تا سال ۱۹۹۶ میلادی تعداد زیادی از شهرها از جمله کابل را تصرف نمودند. بن لادن که در مقابل ارتش سرخ شوروی در کنار مجاهدین افغان ایستاده بود، در کنار طالبان نیز قرار گرفت و پایگاههای نظامی (القاعده) را در افغانستان تأسیس کرد. پس از آن حمله به سفارت امریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۸۸ موجبات حمله موشکی کلینتون به پایگاههای نظامی القاعده را فراهم آورد؛ و در نهایت اسامه بن لادن از طرف امریکا در دست داشتن در رویداد ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی و حمله به مرکز تجارت جهانی متهم گردید و امریکا از طالبان خواست تا وی را از افغانستان خارج نمایند؛ اما زمانی که طالبان این خواسته امریکا را نپذیرفتند، در ماه اکتبر همین سال نخست به طالبان حمله هوایی و سپس به کمک ائتلاف شمال دست به حملات زمینی زدند و باعث سقوط رژیم طالبان شدند؛ و پس از آن دولت حامد کرزی روی کار آمد (Dorronsoro, 2012:14).

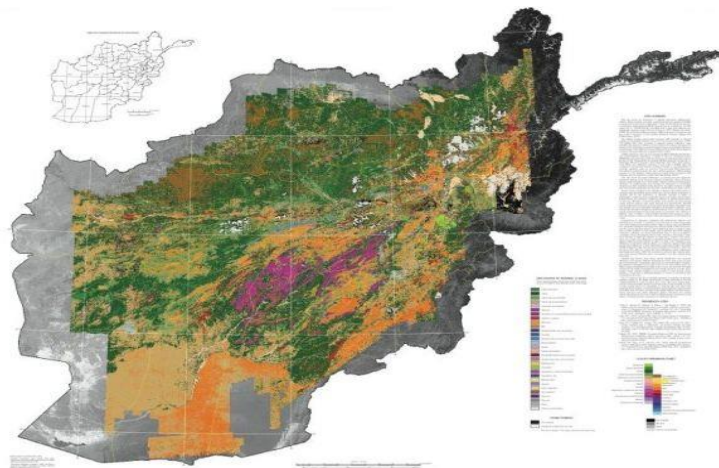
در حال حاضر محمد اشرف غنی احمدزی، رئیس جمهور افغانستان است. اگرچه آمارها از بهتر شدن اوضاع زندگی در این کشور حکایت دارد، ولی همچنان سایه سنگین طالبان از زندگی افغانها رخت نبسته است. جنگ افغانستان هنوز هم ادامه دارد و هر روز این کشور آستان حوادث خونباری است. افغانستان امروز هنوز با یک کشور با ثبات و امن فاصله زیادی دارد.

۲- چرا در افغانستان جنگ است؟



در طی دو قرن گذشته همواره افغانستان مورد توجه قدرتهای سلطه گر از جمله انگلیس، شوروی و آمریکا در مقاطع مختلف، با دسیسه‌های گوناگون و چشم طمع به این کشور بوده است. اما چرا این سرزمین محصور در خشکی، کشوری بدون دسترسی مستقیم به دریا برای قدرتهای استعمارگر مهم است. بی شک موقعیت ژئواستراتژیک افغانستان یکی از دلایل این مسئله است. افغانستان پلی است که آسیای میانه، آسیای شرقی، غربی و آسیای جنوبی را به یکدیگر وصل می‌کند که این موقعیت جغرافیائی منحصر به فرد می‌تواند افغانستان را به قدرت اول ترانزیتی در منطقه تبدیل کند اما این همه ماجرا نیست (رفیع و بختیاری، ۱۳۹۳: ۵۴).

ثروت افغانستان یکی دیگر از این ماجراهاست، تعجب نکنید اگر بشنوید "افغانستان ثروتمندترین کشور فقیر دنیاست" به آماری که روزنامه نیویورک تایمز منتشر کرده است توجه نمایید:



- میزان ذخایر لیتیوم افغانستان برابر با نفت عربستان است

- میزان ذخایر مس افغانستان برابر با بزرگترین مس جهان است
- میزان ذخایر گاز افغانستان نصف ذخایر گاز کشور عراق است
- میزان ذخایر آهن افغانستان ۲ میلیارد تن است
- الماس افغانستان بهتر از الماس آفریقا است
- زمرد افغانستان با کیفیت تر از زمرد کلمیاست
- معدن لاجورد افغانستان بهترین و قدیمی ترین معدن جهان است
- افغانستان دارای بزرگترین معدن طلای دست نخورده جهان است

و نیز افغانستان دارای معادن اورانیومی است که تا بحال کسی نتوانسته است ارزش آن را تخمین بزند. با اطلاع از این آمار هزینه های هنگفت نظامی آمریکا و متحدانش به افغانستان به بهانه حملات ۱۱ سپتامبر به افغانستان برای ما نامعقول نخواهد بود. حمله ای که به حضور بیش از ۲۰ سال به این کشور منجر به شده است.

۳- کودکان قربانیان اصلی اشغال افغانستان توسط آمریکا



آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، گروه تروریستی القاعده و رهبر آن اسامه بن لادن را به عنوان مسئول این حمله معرفی و اشغال افغانستان را آغاز کرد. در همین راستا از زمان حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان تا کنون، نزدیک به ۴۷ هزار و ۶۰۰ غیرنظامی جان خود را از دست داده و حدود ۹۷ هزار تن دیگر نیز زخمی شده اند که سهم کودکان از این آمار ۲۶ هزار کشته و زخمی بوده است. بسیاری از این افراد یا بطور مستقیم توسط نیروهای آمریکایی و یا توسط تروریست هایی که ایالات متحده آنها را پرورانده، هدف قرار گرفته اند. بین

سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ تعداد حملات هوایی نیروهای آمریکایی ۳۳۰٪ افزایش یافته بود (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۹۱).

افغانستان در بین ۱۱ کشور خطرناک برای کودکان قرار دارد، این کشور در مقایسه با دیگر مناطقی که جنگ در آنها ادامه دارد، بیشترین تعداد کودکان در این کشور کشته و یا معلول می‌شوند. دفتر معاونت سازمان ملل در افغانستان به نقل از گروه سفیران دوست زنان افغان، نامه‌ای را به مناسبت سالگرد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل، در مورد زنان، صلح پایدار منتشر نموده است. در بخشی از این نامه در مورد خشونت‌ها اشاره شده که از ژوئن سال ۱۹۱۹ تا سپتامبر سال ۲۰۲۰ میلادی از هر ده مورد افراد غیرنظامی در افغانستان، بیش از ۴ مورد آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. بنابر این سفیران دوست و همسایه افغانستان از همه طرفهای درگیر جنگ خواسته‌اند که خشونت‌ها و از جمله خشونت‌های جنسی را فوراً کاهش دهند و برای ایجاد افغانستانی با صلح و ثبات تلاش نمایند. باورها بر این بود با شروع روند مذاکرات صلح در افغانستان، خشونت‌ها در این کشور کاهش یابد. اما بر عکس، تشدید نبردها سبب افزایش قربانیان در این کشور شده است.



۴- چالش‌های ناشی از جنگ بر روی کودکان افغانستانی

۴-۱- محرومیت از آموزش

آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه پایدار یک جامعه است و نیازمند توجه بیشتر دولت‌ها به این امر می‌باشد. بهبود وضعیت معارف در طول چهار دهه گذشته، یکی از شعارهای مهم و برجسته دولت افغانستان و جامعه جهانی بوده است؛ اما با گذشت این مدت زمان طولانی و صرف میلیاردها دلار، هنوز هم مشکلات و چالش‌های زیادی در عرصه تعلیم و تربیت کشور افغانستان وجود دارد و میلیون‌ها کودک افغان از رفتن به مدرسه در این کشور محروم می‌باشند. بر اساس آمار اعلامی از سوی وزارت معارف افغانستان، سه میلیون و هفتصد هزار (۳۷۰۰۰۰۰) کودک افغان از خدمات آموزشی محروم‌اند. بر اساس گزارش مشترک اعلامی از سوی سازمان یونیسف و وزارت معارف افغانستان تنها در نیمه نخست سال ۱۳۹۷، در سراسر افغانستان ۴۴ درصد (۳,۷ میلیون) کودک واجد شرایط، از رفتن به مدرسه محروم بودند. ناامنی‌ها، نبود دسترسی آسان به مدرسه، بی‌جاشدن از مسکن و ازدواج‌های زیر سن قانونی از عواملی بودند که در گزارش مذکور در پیوند به این وضعیت بیان شده است. در مجموع محرومیت از آموزش یکی از نگرانی‌های مهم کودکان افغانستان است. در این کشور تعداد زیادی از کودکان به دلیل جنگ و ناامنی، آواره شدن خانوادگی، بی‌سرپرستی و مشکلات فقر، از محرومیت‌های آموزشی محسوب می‌شوند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹).



۴-۲- خشونت علیه کودکان افغان

کودکان در افغانستان یکی از آسیب پذیرترین طبقه این کشور محسوب می‌شوند. خشونت علیه کودکان در این کشور یکی از مشکلات جدی و فراگیر می‌باشد. کودکان نه تنها در معرض خشونت‌های مستقیم فیزیکی قرار دارند، بلکه از انواع خشونت‌های روانی نیز رنج می‌برند. براساس آمار صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) ۷۰ درصد از کودکان این کشور در معرض خشونت قرار دارند. ضرب و شتم کودکان، بی‌توجهی به روند آموزش کودکان از سوی والدین، دروغ گویی به کودکان، بکارگیری کودکان در شغل‌های سخت، جواب ندادن به سؤالات آن‌ها، مجازات کودکان، نامزدی آن‌ها قبل از تولد و یا هنگام کودکی و ده‌ها مورد دیگر از انواع خشونت‌هایی است که می‌توان از آن نام برد که در جامعه افغانستان وجود دارد. از طرفی، برخی خشونت‌ها برای کودکان افغان، ملی و امنیتی هستند که شامل جنگ و ناامنی، بمباران‌های هوایی، حوادث طبیعی و مشکلات شهر نشینی اعم از آلودگی و حوادث ترافیکی و... می‌باشند که منجر به مرگ، محروم شدن از آموزش و پرورش، یتیم شدن، انجام کارهای سخت، سوء استفاده جنسی، مهاجرت‌های غیر قانونی، اعتیاد به مواد مخدر و شروع به فعالیت‌های قاچاق، افسردگی و غیره می‌شود (برهانی، ۱۳۹۸، ۱).



۴-۳- کشته یا معلول شدن کودکان افغان

جنگ چهل ساله در افغانستان تأثیرات مرگباری را بر روی کودکان این کشور داشته است. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) در گزارشی گفته است در ۹ ماه اول سال ۲۰۱۹ به طور متوسط روزی ۹ کودک در افغانستان کشته و یا معلول شده‌اند. این رقم نسبت به زمان مشابه در سال ۲۰۱۸، ۱۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در این گزارش که با عنوان "حفاظت کودکان در مرگبارترین منطقه جنگی جهان" منتشر شد، آمده که جنگ چهل سال اخیر در افغانستان تأثیرات مرگباری بر کودکان داشته است و سهم کودکان از این جنگ چهل ساله ۲۶ هزار کشته و حدود ۱۵۰۰۰ کودک زخمی شده‌اند. هنریتا فور، رئیس اجرایی یونیسف، سال ۲۰۱۹ را برای کودکان افغانستان "بسیار مرگبار" خوانده و گفته است باید کارهای بیشتری برای آنها انجام شود. جنگ بر روی کودکان افزون بر خطرات جانی، اثرات منفی روحی نیز داشته است. در نظرسنجی موسسه حمایت از کودکان که حدود یک ماه پیش منتشر شده، آمده بود که دو سوم کودکان افغانستان به دلیل امکان انفجار، آدم‌ربایی و درگیری‌های مسلحانه از رفتن به بیرون از خانه می‌ترسند. در همین راستا نیز، کمیسیون حقوق بشر افغانستان اعلام نموده است که از میان ۳,۷ میلیون کودک بازمانده از تحصیل در این کشور بیش از ۲۰۰ هزار نفر آنان را کودکان معلول تشکیل می‌دهند. همچنین عدم دسترسی کودکان معلول به آموزش، کمبود فضاهای آموزشی ویژه برای معلولان، عدم وجود استادان متخصص، غیر قابل دسترس بودن ساختمان مدارس و نبود دیگر امکانات آموزشی لازم از جمله مواردی است که کودکان معلول افغانستان با آن روبرو هستند (برهانی، ۱۳۹۸: ۱).



۴-۴- مشارکت کودکان در جنگ



کمیسیون مستقل حقوق بشر در گزارش تازه تحت عنوان وضعیت حقوق بشر کودکان در سال ۱۳۹۹ اعلام کرده است که در طی این سال ۱۲۶ کودک، که ۲۰ نفر آنان در نیروهای دولتی و ۹۶ نفر در صفوف گروه‌های مسلح درگیر جنگ بوده‌اند. بر همین اساس تعداد کودکانی که در درگیری‌های مسلحانه فعالیت داشته‌اند در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸، ۲۸,۵۸ درصد افزایش داشته است. همچنین از مجموع تلفات غیر نظامیان که در سال ۱۳۹۹ توسط کمیسیون حقوق بشر ثبت شده دو هزار ۱۹ نفر آنان را کودکان تشکیل می‌دهد. بر اساس گزارش کمیسیون حقوق بشر، اغلب کودکانی که در منازعات افغانستان شرکت می‌کنند از خانواده‌های آواره، کودکان بازگشتی به افغانستان، کودکان پرورشگاه‌ها و مراکز اصلاح و تربیت اطفال می‌باشند. در همین راستا، والی بدخشان افغانستان اعلام کرده است: که شصت درصد از اعضای طالبان در این ولایت را کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دهند و گروه طالبان از کودکان و نوجوانان به عنوان ابزار جنگی استفاده می‌کند. طالبان بدلیل آنکه کودکان علاقه به جنگ‌افزار دارند، آن‌ها را به عضویت گروه خود درآورده و از آنان برای جنگ مقابل نیروهای امنیتی افغانستان استفاده می‌کند (مسعودنیا و شاه قلعه، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

۴-۵- فقر اقتصادی

فقر از عوامل مؤثر در گسترش بسیاری از جرائم است. فقر سبب می‌شود تا کودکان از دسترسی به نیازهای اساسی مانند بهداشت، آموزش، تغذیه و غیره محروم شوند، یا والدین به دلیل مشکلات مالی با رفتارهایی، چون

پرخاشگری، خشونت، بی توجهی و امثال آن کودکان را مورد آزار قرار می دهند. در افغانستان کودکانی را می بینیم که خانواده ها به دلیل مشکلات اقتصادی آنها را مجبور به گدایی، اسفند دود کردن، فروش کارت اعتباری موبایل، دست فروشی، جمع آوری زباله های قابل بازیافت و تمیز کردن شیشه های ماشین ها می کنند (فروغی و جلال پور، ۱۳۹۶: ۱۲).



۴-۶- کودک آزاری

جنگ در افغانستان سبب بروز برخی مشکلات فرهنگی برای کودکان افغانستان از جمله کودک آزاری شده است. تأثیر جنگ های طولانی علاوه بر کودکان بر والدین آنها نیز تأثیر گذاشته است، خستگی والدین از جنگ، مشکلات اقتصادی، فقر و ناامنی سبب شده است که والدین روش های بی رحمانه و سخت گیرانه ای را برای کودکان خود در نظر بگیرند. این خشونت ها منجر به ترس، اضطراب و پرخاشگری کودک، شب ادراری، نداشتن اعتماد به نفس و نداشتن قدرت ارتباط صحیح با دیگران انجامیده است.



۴-۷-اعتیاد

بر اساس گزارش‌های موجود، افغانستان دارای جمعیتی ۳۲ میلیون نفری است، حدود ۳ میلیون نفر معتاد در این کشور می‌باشند، یعنی حدود ۱۰ درصد افراد جامعه. بر اساس گزارش وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان بیش از ۶ میلیون کودک در افغانستان در معرض خطر هستند که از این میان یک میلیون نفر از آنها به مواد مخدر اعتیاد دارند. این کودکان شامل طبقه‌های خانواده‌های بی‌سرپرست، یتیم، معتاد، قربانی جنگ، کودکان آواره شده داخلی، کودکان بازگشته از خارج، کودکان دارای معلولیت، کودکان دارای عقب‌ماندگی ذهنی و سایر موارد می‌باشند.



۴-۸- بزهکاری کودکان

در حالی که در افغانستان، هر روزه بر تعداد یتیمان، کودکان بی سرپرست، کودکان خیابانی و کودکان کار در این کشور اضافه می‌شود، وزارت عدلیه این کشور اعلام کرده است که ۷۹۶ کودک به دلایل بزهکاری‌های گوناگون در مراکز اصلاح و تربیت کودکان در سراسر افغانستان نگهداری می‌شوند. علت بزهکاری کودکان افغان نتیجه مستقیم جنگ، ناامنی، عدم تربیت مناسب و جامعه آشوب‌زده این کشور می‌باشد که طرح و برنامه‌ای برای تربیت نسل فردا و ساختن آینده‌ای مناسب برای آنان ندارند و تنها از این کودکان به عنوان ابزار جنگ، از سوی طرف‌های درگیر در افغانستان استفاده شده و حتی از آن‌ها در عملیات‌های جنگی و انفجاری از آنها استفاده می‌نمایند. سازمان ملل متحد طی چندین سال متوالی، افغانستان را خطرناک‌ترین کشور برای کودکان به شمار آورده است. جنگ و ناامنی، فقر، نبود زیرساخت‌های آموزشی و مهم‌تر از همه، ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها در افغانستان باعث شده است تا این کشور برای کودکان مکان خطرناکی باشد. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، حدود ۴۱ درصد کودکان زیر پنج سال در افغانستان، از رشد باز مانده‌اند که مهم‌ترین دلیل آن فقر است. بر اساس گزارش سازمان ملل در حال حاضر حدود ۳,۷ میلیون کودک در افغانستان از آموزش باز مانده‌اند که تقریباً چیزی نزدیک به نصف کودکان واجد شرایط آموزش در این کشور است. هرچند آمار دقیقی از کودکان کار در افغانستان وجود ندارد، با این حال نهادهای حامی حقوق کودکان و وزارت کار افغانستان می‌گویند که حدود دو میلیون کودک کار در افغانستان وجود دارد. بخش عمده‌ای از این کودکان به شدت آسیب‌پذیرند و حتی گفته می‌شود سن کودکان کار تا ۵ سال هم پایین آمده است.



نتیجه گیری

جنگ چهل ساله در افغانستان، مرگبارترین جنگ در تمام دنیا برای کودکان این کشور بوده است. سهم کودکان افغانستانی در این جنگ‌های خانمانسوز، ۲۶ هزار کشته و زخمی بوده است. بسیاری از این کودکان که به دلیل جنگ از مدرسه و تحصیل باز می‌مانند و یا والدین خود را از دست می‌دهند، به ابزارهای ساده، راحت و ارزان جنگ بدل می‌شوند که گروه‌های تروریستی و طرف‌های درگیر در جنگ افغانستان از آن به راحتی و بدون احساس مسئولیت استفاده می‌کنند. با توجه به جمعیت حال حاضر افغانستان که ۳۲ میلیون نفر است. ۳/۷ میلیون کودک در افغانستان از تحصیل محروم می‌باشند. حدود ۶۰ درصد از کودکانی که از تحصیل بازمانده‌اند دختر هستند. حدود ۴ میلیون کودک در افغانستان نیازمند کمک‌های انسانی می‌باشند. در همین راستا نیز در سال ۲۰۱۸ نزدیک به ۷۰۰ مدرسه در افغانستان به دلیل ادامه جنگ و ناامنی تعطیل شده است. همچنین از جمعیت ۳۲ میلیون نفری افغانستان ۴۸ درصد را نوجوانان زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. ششصد هزار کودک نیز از سوء تغذیه در این کشور رنج می‌برند. بیش از ۸۴ درصد از جانب‌باختگان انفجارهای مواد منفجره باز مانده از دوران جنگ داخلی را، کودکان تشکیل می‌دهند و در پایان ره آورد حضور آمریکا در افغانستان، تنها باعث وارد شدن آسیب به مردم و کودکان این کشور شده و دستاورد دیگری نداشته است. از طرفی حضور نیروهای خارجی به سرکردگی آمار، تنها موجب ناامنی، فقر، بیکاری، افزایش تولید و کشت مواد مخدر و فساد در این کشور شده است. بر اساس گزارش دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، از زمان اشغال افغانستان توسط آمریکا تاکنون، تولید

مواد مخدر نزدیک به ۳۵ برابر و سطح زیر کشت ۳۰ برابر شده است. بنابر گزارش دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، میزان تولید تریاک در سال ۲۰۰۱ در افغانستان ۱۸۵ تن و سطح زیر کشت آن ۷۶۰۰ هکتار بوده است. این در حالی است که سطح زیر کشت تریاک در سال ۲۰۲۰ به حدود ۲۲۴ هزار هکتار افزایش یافته و تولید تریاک به حدود ۶۳۰۰ تن افزایش یافته است.

منابع

۱. ابراهیمی، نبی‌اله. (۱۳۸۸). واکاوی جنگ عراق علیه ایران از منظر رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال هشتم، شماره ۳۱
۲. اکسا، نرگس. (۱۳۹۵). تأثیر تنوع قومی و نژادی بر شکل‌گیری بحران در افغانستان، اولین همایش بین‌المللی بحران جان اسلام.
۳. برهانی، محمدجواد. (۱۳۹۸). خشونت علیه کودکان در افغانستان. روزنامه افغانستان ما.
۴. خبرگزاری ایرانا. (۱۳۹۹). ناامنی و فقر عوامل اصلی محرومیت ۳,۷ میلیون کودک افغان از آموزش. قابل بازدید در: <https://www.irna.ir/news/84051158>
۵. رفیع، حسین و بختیاری، محسن. (۱۳۹۳). چالش‌های صلح در افغانستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۸۸
۶. شفیعی، نوذر و اقدس، اقبال و ثالثی، زهرا. (۱۳۸۹). نقش سرویس اطلاعاتی پاکستان در طولانی شدن بحران امنیتی افغانستان، فصلنامه آفاق امنیت، شماره نهم،
۷. طنین، ظاهر. (۱۳۸۴). افغانستان در قرن بیستم. تهران: عرفان.
۸. فروغی، فرشاد و جلال پور، شیوا. (۱۳۹۶). بررسی تجارت تسلیحات و نظامی‌گری در تعاملات اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه، کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.

۹. مسعودنیا، حسین و شاه قلعه، صفی الله. (۱۳۸۸). بررسی علل رفتارخسونت آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبانسم، دو فصلنامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۹.

۱۰. میرمحمدی، سیدمصطفی. (۱۳۹۲). حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافتهای حقوق بین الملل و حقوق اسلام)، دو فصلنامه بین المللی حقوق بشر، دوره دوم، شماره ۲.

۱۱. Dorronsoro, Gilles (2012), "Waiting for The Taliban in Afghanistan",
Carnegie Endowment for International Peace, September 15

The Impact of the Forty Years' War in Afghanistan on Afghan Children

Fatemeh Mehrabi¹

Abstract

The aim of the present study was to investigate the impact of the 40-year war in Afghanistan on Afghan children. The war in Afghanistan is one of the major challenges facing the lives of vulnerable groups, including women, especially Afghan children. For years, the warring parties in Afghanistan have been committing horrific crimes against Afghan children, ignoring the lives of their children, and this process continues without the perpetrators being prosecuted. The presence of children in the ranks of the warring parties in Afghanistan, their use for war purposes and even the sexual exploitation of children is another concern for the lives of Afghan children. However, human rights organizations have repeatedly expressed concern in this regard, stating in their reports that young people in Afghanistan are being recruited in the ranks of the war, both in the armed opposition and in the local police; But in some parts of the country, Afghan children are still being used for suicide attacks, landmines and front lines. According to the report, among the children in need of immediate assistance, most are displaced and homeless, displaced by war, insecurity, natural disasters and poverty.

Keywords: War, Afghanistan, Forty Years War, Afghan Children, Displaced, Homeless.

¹ M.Sc., Social Sciences, Cultural Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding Author)